

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در زبان شناسی همگانی

موضوع

توصیف حروف اضافه و گروه حرف اضافه در زبان فارسی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم

استاد مشاور

جناب آقای دکتر مصطفی عاصی

نگارش

معصومه کُردی

سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار..... ۱

مقدمه..... ۲

فصل اول

مروری بر آثار پیشین..... ۵

حرف اضافه چیست؟..... ۸

الف) پاسخ در چارچوب دستور سنتی..... ۸

(۱) موقعیت گروه اسمی در ساخت - ر..... ۹

a) فاعل فعل خود ایستا / زماندار..... ۹

b) مفعول صریح فعل معلوم..... ۱۰

c) مفعول حرف اضافه..... ۱۱

(۲) تسلط سازه‌ای..... ۱۲

(۳) حاکمیت..... ۱۴

ب) پاسخ در چارچوب ساختگرائی..... ۱۹

ج) پاسخ در چارچوب دستور حالت..... ۲۲

د) پاسخ در چارچوب نظریه ایکس تیره..... ۲۳

خلاصه..... ۲۵

فصل دوم

جایگاه حرف اضافه..... ۲۷

عنوان

صفحه

مفعول حرف اضافه‌ای	۲۸
گروه حرف اضافه	۲۹
حرف اضافه، قید و حرف ربط	۲۹
خلاصه	۳۱

فصل سوم

حروف اضافه ساده و مرکب	۳۴
حروف اضافه مرکب - توالی‌های دو واژه‌ای	۳۴
حروف اضافه مرکب - توالی‌های سه واژه‌ای	۳۵
مرز میان حروف اضافه ساده و حروف اضافه مرکب	۳۸
تکیه حروف اضافه	۳۹
تفاوت میان حروف اضافه مرکب و توالی‌های آزاد گروه اسمی	۴۰
خلاصه	۴۴

فصل چهارم

نقش‌های نحوی گروه‌های حرف اضافه	۴۷
الف) توصیف‌کننده در گروه اسمی	۴۷
ب) قیدی	۴۷
۱) ادات	۴۷
۲) شرط، التزام	۴۷
a) وجه التزامی دیدگاهی	۴۷
b) وجه التزامی تواضع	۴۷

عنوان

صفحه

۴۷ (۳) انفصال، تفکیک
۴۸ (۴) ربط
۴۸ (ج) متمم اسمی
۴۸ (۱) متمم اسمی فعل
۴۹ (۲) متمم اسمی صفت
۴۹ (۳) وابسته متمم اسم
۵۰ (د) مفعول حرف اضافه‌ای
۵۲ خلاصه

فصل پنجم

۵۴ دلالت حروف اضافه بر روابط مکانی
۵۴ الف) بُعد
۵۴ (۱) بُعد صفر
۵۴ (۲) بُعد یک
۵۵ (۳) بُعد دو
۵۵ (۴) بُعد سه
۵۷ خلاصه

فصل ششم

۵۹ واژگان
۶۲ بررسی اطلاعات واجی، واژی، نحوی و معنایی حروف اضافه در زبان فارسی
۹۸ متمم، قید و ادات

عنوان

صفحه

- در چه مواقعی بین حرف اضافه و آنچه که بعد از آن واقع می‌شود رابطه مضاف و مضاف‌الیه برقرار است؟ ۱۰۰
- کسره اضافه ۱۰۲
- خلاصه ۱۰۳

فصل هفتم

- خلاصه ۱۰۹
- فصل اول ۱۰۹
- فصل دوم ۱۰۹
- فصل سوم ۱۱۰
- فصل چهارم ۱۱۱
- فصل پنجم ۱۱۲
- فصل ششم ۱۱۲
- کتابنامه ۱۱۵

پیشگفتار

رساله «توصیف حروف اضافه و گروه حرف اضافه در زبان فارسی»، تلاشی است در جهت ارائه یک توصیف همزمانی از حروف اضافه و گروه حرف اضافه در این زبان به لحاظ نقشی و معنایی.

در این کار نگارنده بر آن است که با دیدی توصیفی، داده‌ها را تجزیه و تحلیل کند. از اینرو روش تحقیق در این رساله، مطالعه دقیق منابع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود در آنها می‌باشد.

کار حاضر اساساً توصیفی است و نگارنده از مفاهیم نظری در نظریات مختلف به ضرورت استفاده خواهد کرد. بخش اعظم منابعی که در این اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد، به زبان انگلیسی است. از میان آن منابع می‌توان به دستور انگلیسی معاصر (۱۹۸۹)، دستور جامع زبان انگلیسی (۱۹۸۷)، دستور انگلیسی لانگمن (۱۹۸۸) و بسیاری از منابع دیگر اشاره کرد. برخی از منابع فارسی که در این رساله مورد استفاده واقع خواهد شد، عبارتند از: مشکوة الدینی (۱۳۶۶) و علی اشرف صادقی (۱۳۴۹).

همچنین شایان ذکر است که اهمیت این مجموعه، بیش از هر جای دیگر در آموزش دستور زبان فارسی، جلوه‌گر می‌شود، چراکه دانشجویان با اطلاع از نقش‌های نحوی ممکن در گروه‌های حرف اضافه و نیز معانی مربوط به آنها، در تحلیل جملات زبان موفق‌تر خواهد بود.

این رساله، جدای از پیشگفتار و مقدمه، از شش فصل اصلی و یک فصل پایانی که خلاصه‌ای از یافته‌های تمامی فصلها می‌باشد، تشکیل شده است.

مقدمه

پیشرفت روزافزون علم زبان‌شناسی در ایران، همراه با توجهی که به پژوهش‌های زبانی در سالهای اخیر شده، نیاز دستورنویسان و پژوهشگران این رشته را به طبقه‌بندی و توصیف مقولات زبان هرچه محسوس‌تر کرده است. رساله حاضر، کوشش دیگری است، در جهت ارائه یک توصیف همزمانی از حروف اضافه و گروه حرف اضافه در زبان فارسی، به لحاظ نقشی و معنایی.

در تهیه این مجموعه، نگارنده از منابع فارسی و انگلیسی، اعم از ترجمه و تألیف، تا حد امکان بهره گرفته است، و همواره سعی کرده تا ساخت زبانی را بر زبان دیگر تحمیل نکند، بلکه بیشتر از مفاهیم نظری در نظریات آنها سود جوید.

این رساله، شامل ۷ فصل است. در فصل اول، نگارنده به طرح پرسش «حرف اضافه چیست؟» پرداخته و آنرا در چارچوب دستور سنتی، ساختگرائی، دستور حالت و نظریه ایکس تیره، مطرح کرده و به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده است.

در فصل دوم رساله، عنوانهایی چون «جایگاه حرف اضافه»، «مفعول حرف اضافه‌ای»، «گروه حرف اضافه» و تفاوت میان سه طبقه واژگانی «حرف اضافه، قید و حرف ربط» مورد بحث قرار گرفته است.

فصل سوم به تقسیم‌بندی حروف اضافه پرداخته و آنرا به دو شاخه ساده و مرکب، و مرکب را به توالی‌های دو واژه‌ای و سه واژه‌ای تقسیم کرده است. همچنین نگارنده در این قسمت، موضوع‌هایی چون «مرز میان حروف اضافه ساده و مرکب» و «تکیه حروف اضافه» را ارائه کرده است. در پایان فصل، تفاوت میان حروف اضافه مرکب و توالی‌های آزاد گروه اسمی بطور مفصل شرح داده شده است.

فصل چهارم مربوط به نقش‌های نحوی گروه‌های حرف اضافه است.

فصل پنجم به دلالت حروف اضافه بر روابط مکانی و در نتیجه پیداشدن خواص

بعدی، پرداخته است.

فصل ششم اختصاص به مباحثی چون «واژگان»، «بررسی اطلاعات واجی، واژی، نحوی و معنایی حروف اضافه»، «متمم، قید و ادات»، «مضاف و مضاف الیه» و «کسره اضافه» دارد.

و در فصل هفتم، خلاصه‌ای از مطالب و یافته‌های تمامی فصلها ارائه شده است. در پایان این مقال، نگارنده بر خود لازم می‌داند از استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم که با ارشادات و راهنماییهای بی‌دریغ و عالمانه و دقت نظر و تیزبینی زائدالوصفشان، حقیر را در تهیه این رساله یاری فرموده‌اند، کمال تشکر و امتنان را بنماید. همچنین از جناب آقای دکتر مصطفی عاصی که بر اینجانب منت نهاده و از سرلطف، مشاوره و رسیدگی علمی این رساله را پذیرا گشتند، نهایت سپاس و تشکر را می‌نمایم.

فصل اوّل

مروری بر آثار پیشین

حرف اضافه چیست؟

الف) پاسخ در چارچوب دستور سنتی

(۱) موقعیت گروه اسمی در ساخت - ر

(a) فاعل فعل خود ایستا

(b) مفعول صریح فعل معلوم

(c) مفعول حرف اضافه

(۲) تسلط سازه‌ای

(۳) حاکمیت

ب) پاسخ در چارچوب ساختگرائی

ج) پاسخ در چارچوب دستور حالت

د) پاسخ در چارچوب نظریهٔ ایکس تیره

خلاصه

مروری بر آثار پیشین

حروف اضافه در زبان فارسی از سوی جونز (۱۸۲۸)، لمبتون (۱۹۵۳)، بویل (۱۹۶۶)، خطیب رهبر (۱۳۴۷)، علی اشرف صادقی (۱۳۴۹)، خانلری (۱۳۵۹)، صادق امین مدنی (۱۳۶۳)، همایون فرخ (۱۳۶۴) و مشکوة الدینی (۱۳۶۶) مورد مطالعه واقع شده است. جونز در کتاب دستور زبان فارسی، به برخی از حروف اضافه ساده اشاره کرده است و تنها دو مورد از حروف اضافه مرکب را برشمرده است. وی بی آنکه حروف اضافه ساده و مرکب را از هم تفکیک کند، یکجا آنها را مطرح کرده است (ص ۹۸).

لمبتون در کتاب دستور زبان فارسی خود، در پنج سطر به توصیف حروف اضافه پرداخته و در آن به تعداد حروف اضافه ساده که از هفت تا هشت عدد تجاوز نمی‌کند و نیز به موقعیت آنها پیش از صورتهای اسمی (ساده) و یا ضمائر، اشاره کرده است (صص ۵۵-۶).

بویل در دستور فارسی نوین، بعد از برشمردن پاره‌ای از حروف اضافه ساده، به مواردی از حذف آن در زبان محاوره‌ای اشاره کرده است و بیان داشته که گروه حرف اضافه‌ای به لحاظ نحوه ساخت در دو دسته قرار می‌گیرد (ص ۴۲).

الف) حرف اضافه + قید یا اسم + نشانه اضافه ← درمقابل، به خاطر

ب) قید یا صفت + حرف اضافه ساده ← قبل از، بعد از

همچنین وی برای دو حرف اضافه «از» و «به» به ترتیب معانی «حرکت از مبدأ» و «حرکت به سوی مقصد» را ارائه کرد (ص ۴۳).

خطیب رهبر در کتاب پژوهشهای دستوری حروف اضافه، از مثالهایی سودجسته که مربوط به اشعار و نثرهای شعراء و نویسندگان گذشته می‌باشد. وی تنها به پاره‌ای از نقش‌های نحوی گروههای حرف اضافه اشاره کرده است (صص ۱۰-۱).

علی اشرف صادقی در این زمینه مقاله‌ای دارد، تحت عنوان «حروف اضافه در فارسی معاصر». در این اثر، وی تفاوت میان کسره اضافه (نشانه اضافه) با حروف اضافه را

برشمرده و بیان داشته که «کسره اضافه صورتاً استقلال ندارد، بلکه باید به کلمه ماقبل خود بچسبد» (ص ۴۶۸).

خانلری در دستور زبان فارسی، تعدادی از حروف اضافه را برمی شمرد و به معانی متفاوت هریک اشاره می کند. وی همچنین به برخی از نقش های نحوی گروه های حرف اضافه، اشاره می کند و آن نقش ها را در قالب انواع متمم همچون: متمم چگونگی، متمم مقدار، متمم مکانی، متمم زمانی و غیره دسته بندی می کند (صص ۵-۷۴).

مثال: مزرعه را به دویست تومان فروخت. متمم مقدار

امین مدنی در دستور زبان فارسی، حرف اضافه را تحت عنوان «پیشواژه» خوانده و برطبق اینکه آیا پیشواژه در اصل وجود داشته یا نه، آن را به دو دسته «پیشواژه اصلی» و «عاریه ای» تقسیم کرده است. پیشواژه اصلی مانند: «از»، «به» و پیشواژه عاریه ای همچون: میان، جلو و غیره. او همچنین بیان می کند که پایان پیشواژه های عاریه ای همیشه زیر (کسره) دارد. تقسیم دیگری که وی ارائه می کند، براساس تعداد کلمه های تشکیل دهنده پیشواژه است. اگر پیشواژه از یک کلمه ساخته شده باشد، آنرا «پیشواژه ساده» می خواند و اگر پیشواژه از بیش از یک کلمه تشکیل شده باشد، آنرا «پیشواژه مرکب» گوید. وی همچنین به معانی تعدادی از حروف اضافه اشاره کرده است (صص ۳۷-۱۲۷).

حال آنکه همایون فرخ در دستور جامع زبان فارسی، عبارت «حرف پیشین» را برای حرف اضافه در نظر می گیرد و بیان می کند که آنرا از «پرپوزسیون» که معنی ترکیبی آن «پیش واقع شونده» است، گرفته است (ص ۶۸۸). وی دیگر به دسته بندی حروف اضافه و نیز ارائه معانی برای آن و بیان نقش های نحوی گروه های حرف اضافه، اشاره نمی کند.

و مشکوة الدینی در کتاب دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری، به نقش نحوی و معنایی تعدادی از حروف اضافه ساده پرداخته، اما توصیف جامعی از حروف اضافه مرکب ارائه نکرده است (صص ۹۵-۱۸۸).

البته شایان ذکر است که در زمینه حروف اضافه، دستورنویسان و پژوهشگران

آمریکائی و اروپائی، پژوهشهای متعددی انجام داده‌اند و به یافته‌های ارزنده‌ای دست یافته‌اند. نگارنده، برای بهتر شدن این مجموعه، می‌کوشد تا آن آثار را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهد، اما همواره بر آن است تا ساخت زبانی را بر زبان دیگر تحمیل نکند و تنها از مفاهیم نظری موجود در آن نظریات بهره‌مند شود.

حرف اضافه چیست؟

با پیشرفت و گسترش زبان‌شناسی، طبقه‌بندی‌های مختلفی برای حروف اضافه ارائه شده است. در چارچوب دستور سنتی^۲، ساختگرائی^۳، دستور حالت^۴ و نظریه ایکس تیره^۵، پاسخ به سؤال «حرف اضافه چیست؟» نه تنها متفاوت از یکدیگر است، بلکه حتی در مفهوم، مغایر هم می‌باشد. به هر حال، با نگاهی دقیق به هر یک از شیوه‌ها به این نتیجه خواهیم رسید که هیچ یک از پاسخ‌ها، بطور کلی مناسب مجموعه حروف اضافه نیست، بلکه بیشتر مناسب زیرمجموعه منتخبی از آن است. نکته جالب توجه آن‌که، این زیرمجموعه‌ها، تا حد خاصی مکمل هستند. بنابراین، قضاوت‌های متفاوت درباره حروف اضافه می‌تواند نقطه آغازی برای شناسایی گونه‌هایی از صورت‌های اضافی در نظر گرفته شود (رح، ۱۹۹۱، ص ۱۷۵).

الف) پاسخ در چارچوب دستور سنتی

در زیر با برخی از تعاریف حرف اضافه در چارچوب دستور سنتی، آشنا می‌شویم. تراخس^۶، پروته سیس^۷ (حرف اضافه) را چنین تعریف کرده است: «حرف اضافه بخشی از کلام است که در ترکیب و در نحو پیش از کلمات دیگر آورند» (حق شناس، ۱۳۷۰، ص ۸۸).

همچنین یکی از متقدمین اصحاب وجه که میشل دوماریه^۸ نام داشت، تعریف زیر را برای حرف اضافه (پره پوزیتیو) ارائه کرد: «نوعی از انواع کلمه است که از طریق وجه ترکیب نحوی با کلمه‌ای که به لحاظ حالت تصریف می‌شود، به امر دلالت می‌پردازد، و با این کار کلمه مزبور را با کاری مربوط می‌سازد» (حق شناس، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰).

«حرف اضافه، واژه‌ای است که رابطه میان یک اسم یا ضمیری که بر آن حاکم^۹

1 - Preposition

2 - Traditional Grammar

3 - Structuralism

4 - Case Grammar

5 - X - bar Theory

6 - Thrax, Dionysius

7 - Próthesis

8 - Michel de Marbais

9 - Governor

می‌باشد را با واژه دیگر، نشان می‌دهد. طوری که آن واژه دیگر می‌تواند فعل، صفت، اسم و یا ضمیر دیگر باشد» (کورمی، ۱۹۳۵، ص ۸۷).

مفهوم سنتی «حاکم» امروزه در چارچوب زبان‌شناسی زایشی مورد توجه قرار گرفته و به گونه‌ای دقیق و فنی تعریف شده است. در این چارچوب نظری، برای روشن شدن مفهوم «حاکم» لازم است که موقعیت گروه اسمی در ساخت - ر^۱ و تسلط سازه‌ای^۲ را بررسی کنیم.

موقعیت گروه اسمی در ساخت - ر

گروه اسمی در سه موقعیت می‌تواند ظاهر شود و حضور آن در هر موقعیت، مقوله‌ای خاص به آن می‌بخشد که به قرار زیر است (کوپر، ۱۹۹۲، صص ۹۰-۸۹).

(a) فاعل فعل خودایستا^۳ / زماندار

(b) مفعول صریح فعل معلوم

(c) مفعول حرف اضافه

حال به بررسی هریک از موقعیت‌ها می‌پردازیم.

(a) فاعل فعل خود ایستا

برای بررسی این موقعیت، نخست باید پاسخگوی این سؤال باشیم که «فعل خود ایستا چیست؟» فعل خود ایستا، فعلی است که به لحاظ شخص، شمار و معمولاً زمان صرف شود (کوپر، ۱۹۹۲، ص ۸۹).

مثال: خوردم خوردی

در اینجا فعل از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول «خورد» و بخش دوم «ام» یا

1 - S - Structure

ساخت - ر (S - Structure)، ساخت حاصل از عملکرد قاعده α است که با روساخت (Surface - Structure) بسیار متفاوت است. چراکه روساخت حاصل عملکرد گشتار حرکتی، گشتار حذف و گشتار درج می‌باشد. در حقیقت روساخت خوراکی است برای قواعد واجی (کوپر، ۱۹۹۲، ص ۷۵).

2 - Constituent Command 3 - Finite Verb

«ای» می باشد. بخش اول بر زمان دلالت می کند و بخش دوم شخص و شمار را می رساند. این بخش تحت عنوان تصریف خوانده می شود. نشانه تصریف^۱ در زبان فارسی گاهی بین فاعل و فعل می آید همچون؛ الف) و گاهی بعد از فعل می آید مانند؛ ب).

الف) علی خواهد آمد.

ب) خورده ام.

(b) مفعول صریح فعل معلوم

چامسکی (۱۹۷۰) برای نمایش چهار طبقه اسم، فعل، صفت و حرف اضافه، مجموعه ای از مختصه های متمایز را پیشنهاد کرده است.

	Noun	verb	Adj	prep
N	+	-	+	-
V	-	+	+	-

مختصه [-N] به طبقه افعال و حروف اضافه اشاره می کند (این دو مقوله مفعول صریح دریافت می کنند)، حال آنکه طبقات افعال و صفات به کمک مختصه [+V] توصیف می شوند. البته مجموعه دیگری از مختصه های مقوله ای از جانب جکنداف (۱۹۷۷) و رولند (۱۹۸۵) ارائه شده است. آن مختصه های متمایز دوشقی، چهار مقوله متمایز را از هم جدا می کنند (کوپر، ۱۹۹۲، صص ۷-۴۶).

[+V, -N] فعل

[+V, +N] صفت

[-V, +N] اسم

[-V, -N] حرف اضافه

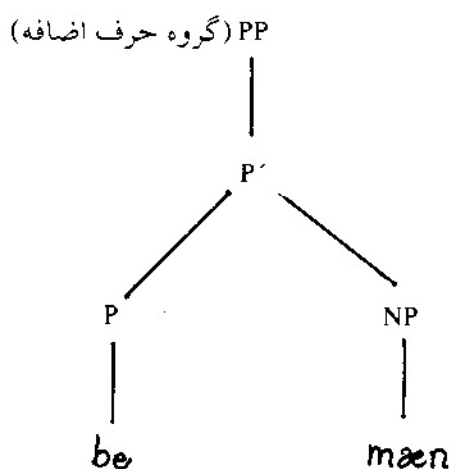
همانگونه که ملاحظه می شود افعال دارای مختصه های [+V, -N] هستند و در این

میان، گروه اسمی در ساخت - ر مجاور [-V, +N] قرار می گیرد و حتماً هم باید [+V, -N]

تسلط سازه‌ای بر آن داشته باشد (کوپر، ۱۹۹۲، صص ۳-۹۲).

(c) مفعول حرف اضافه‌ای

گروه اسمی به لحاظ واژگانی می‌تواند در ساخت -ر، مجاور حرف اضافه قرار گیرد و حرف اضافه بر آن تسلط سازه‌ای داشته باشد. در مثال زیر PP بر NP مسلط^۱ است. از اینرو، حرف اضافه (P) بر گروه اسمی (NP) تسلط سازه‌ای دارد (کوپر ۱۹۹۲، ص ۹۴).



توجه داشته باشیم که حرف اضافه دارای مختصاتی چون [-N, -V] می‌باشد. با این حال، چنین بیان می‌کنیم که گروه اسمی می‌تواند به لحاظ واژگانی در ساخت -ر قرار گیرد، اگر مجاور با تصریف [زمان +]، [+V, -N] و یا حرف اضافه باشد و نیز تصریف، فعل و یا حرف اضافه بر آن تسلط سازه‌ای داشته باشند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چه خاصیتی در تصریف [زمان +]، فعل و یا حرف اضافه وجود دارد که آنها را از مقولاتی چون اسم یا صفت متمایز می‌کند؟ همانطور که قبلاً دیدیم، افعال و حروف اضافه دارای مختصه [-N] هستند. صفات و اسم دارای [+N] می‌باشند. بنابراین مختصه [-N]، آن چیزی است که ما بدنبالش هستیم. بنابراین گروه اسمی به لحاظ واژگانی در موقعیت‌هایی مجاور عنصر [-N] قرار می‌گیرد و این عنصر بر آن تسلط سازه‌ای پیدا می‌کند (کوپر، ۱۹۹۲، ص ۹۶).

1-Dominate

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا گروه اسمی، در این موقعیت‌ها باید ظاهر شود؟ برای پاسخ به این پرسش بهتر است که به این خاصیت گروه اسمی که همان، دریافت حالت^۱ است، توجه کنیم. حالت یک گروه اسمی بستگی به این دارد که حاکم آن چه چیزی باشد. به عبارت دیگر، چه چیزی بر آن حاکم باشد. اگر تصریف [زمان +] بر گروه اسمی حاکم باشد، حالت فاعلی^۲ به آن می‌بخشد، فعل حالت مفعولی^۳ و حرف اضافه حالت مفعولی یا متممی^۴ را می‌دهد (کوپر، ۱۹۹۲، ص ۹۸).

در زبانی چون لاتین، اسم بایستی که حالت داشته باشد. در غیر این صورت، زنجیره‌ای که آن واژه در آن ظاهر می‌شود خوش ساخت نخواهد بود. در این زبان، نشان حالت بصورت پسوند قابل رویت است اما در زبانهای دیگری چون انگلیسی و فارسی نشان حالت در مواردی غیر از نظام ضمائر، قابل رویت نیست.

مثال:

(حالت فاعلی)	من، تو، او، ما، شما، ایشان
(حالت مفعولی)	مراه، تورا، او را،
(حالت ملکی ^۵)	ام، ات، اش، ^۶

بنابراین نسبت دادن حالت جهانی می‌باشد.

شایان تذکر است که حالت ملکی به طریقه بسیار متفاوتی داده می‌شود، آنطور که اگر گروه اسمی در موقعیت پیشنام^۶ قرار گیرد، حالت ملکی را دریافت می‌کند (کوپر ۱۹۹۲، ص ۹۹).

۲) تسلط سازه‌ای

یکی از روابط ساختاری پیچیده، تسلط سازه‌ای است. این اصطلاح چنین تعریف می‌شود:

«x بر y تسلط سازه‌ای دارد اگر و فقط اگر، نخستین گره منشعب مسلط بر x بر y نیز

1 - Case

2 - Nominative

3 - Accusative

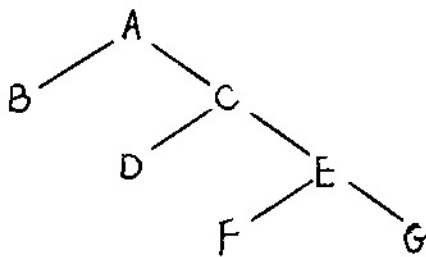
4 - Dative

5 - Genitive Case

6 - Prenominal

مسلط باشد و x بر y مسلط نیست و همچنین y بر x نیز مسلط نمی باشد. (گره منشعب، گره ای است که به دو یا چند سازه پایینی منشعب شود)

مثال از انگلیسی:



نخستین گره منشعب بالای C, D است. بنابراین، بنا به تعریف بالا، هر گره ای که C بدان مسلط باشد، توسط D مورد تسلط سازه ای قرار می گیرد. در حال حاضر چونکه C بر G, F, E مسلط است (و نه بر A یا B)، چنین برمی آید که D بر G, F, E (و نه بر A یا B) تسلط سازه ای داشته باشد. چونکه E خواهر D است و از آنجا که F و G اولادهای E هستند، پس می توان بیان کرد که: یک گره بر خواهرهایش و اولادهای آنها تسلط سازه ای دارد. (x اولاد y است اگر y بر x مسلط باشد).

به عبارتی رسمی تر، وقتی صحبت از این می شود که x بر y تسلط سازه ای دارد بدان معنا است که x بالاتر از y در درخت قرار دارد. و با اینکه هم سطح با y است. و اگر بخواهید، می توانید بگوئید که x بر y تسلط سازه ای دارد بدان معنا که x نسبت به y فرعی نیست. در مثال بالا، گره A بر هیچ سازه ای، تسلط سازه ای ندارد، اما B بر $[G, F, E, D]$ تسلط سازه ای دارد. C بر B, D بر $[G, F, E]$ تسلط سازه ای دارد و E بر D و F و G و F بر G تسلط سازه ای دارد (رد فورد، ۱۹۸۸، صص ۵-۱۱۴؛ کریستال، ۱۹۸۵ ص ۵۶).

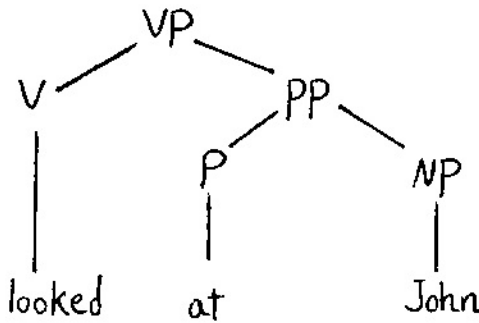
حاکمیت^۱

حاکمیت مورد خاصی است از تسلط سازه‌ای. به بیانی غیرفنی، نزدیکترین رابطه تسلط سازه‌ای با گره α اصطلاحاً اینطور تعبیر می‌شود که آلفا بر آن گره حاکمیت دارد. یعنی α حاکم آن گره است (کوپر، ۱۹۹۲، صص ۹۷-۸۹).

دستور زایشی^۲ اخیر، شرایطی که تعیین می‌کند، آیا یک سازه بر دیگری حاکم است را بوضوح نشان می‌دهد:

«هنگامی که چندین گره بر یک سازه، تسلط سازه‌ای داشته باشند، در این صورت، حاکم پایین‌ترین این گره‌ها در درخت خواهد بود» (کریستال، ۱۹۸۵، ص ۱۳۹).

مثال:



«در این مثال، هم "looked" و هم "at" بر واژه "John" تسلط سازه‌ای دارند. اما تنها "at" گفته می‌شود که بر "John" حاکم است (یعنی "at" گره حاکم می‌باشد).»

«گره‌های حاکم به قرار زیر هستند؛ اسم، فعل، صفت، حرف اضافه، زمان و مالکیت» (کریستال، ۱۹۸۵، ص ۱۴۰).

1 - Government

2 - Generative Grammar

دستور زایشی، مجموعه‌ای از قواعد صوری است که مجموعه محدودی از جملات را از مجموعه‌ای نامحدود (که زبان را شکل می‌دهند) طرح می‌کند. البته آن این کار را بطور روشن انجام می‌دهد چرا که برای هر جمله، مجموعه‌ای از توصیف‌های ساختاری ارائه می‌کند (کریستال، ۱۹۸۵، ص ۱۳۵).

حال که با مفاهیم «تسلط سازه‌ای» و «حاکم» آشنا گشتیم، به ادامه تعاریف مربوط به حرف اضافه می‌پردازیم.

تیبینگ (۱۹۶۱، ص ۲۴۴) می‌گوید:

«حرف اضافه، واژه‌ای است که با اسم یا معادل آن بکار می‌رود و آن، رابطه میان آن واژه را با واژه دیگر در جمله نشان می‌دهد.»

* مثال: دیروز با او صحبت کردم.

در مثال بالا، حرف اضافه «با» یا واژه «او» که معادل اسم است بکار رفته است. در این مثال حرف اضافه «با» رابطه میان ضمیر «او» را با فعل «صحبت کردن» نشان می‌دهد.

همچنین والدهورن و زیگر (۱۹۸۲، صص ۳-۴۲) بیان می‌کنند که:

«حرف اضافه، رابطه میان یک اسم یا یک ضمیر را با بعضی از واژه‌های موجود در جمله نشان می‌دهد.»

مثال: علی به خیابان رفت.

در مثال بالا، حرف اضافه «به» بر اسم «خیابان» حاکم می‌باشد. این حرف اضافه، حالت متمم جهت‌مند^۱ به «خیابان» می‌بخشد. حرف اضافه «به» رابطه میان اسم «خیابان» و اسم «علی» را نشان می‌دهد.

کرک و دیگران (۱۹۸۷، ص ۶۵۷) تعریف زیر را برای حرف اضافه ارائه کرده‌اند:

«بطور کلی، حرف اضافه، رابطه میان دو واحد را بیان می‌کند. واحد نخست، همان مفعول حرف اضافه‌ای است و واحد دیگر توسط بخش دیگری از جمله ارائه می‌شود.»

مثال: کتاب را از حسن گرفتم.

در مثال فوق، حرف اضافه «از» بر اسم بعد از خود یعنی «حسن» حاکم است. از

* - مثالهایی که داخل علامت نقل قول « » گذارده نشده است، از نگارنده می‌باشد.